



رسانه مستقل

# دنیایکسپوآدگار

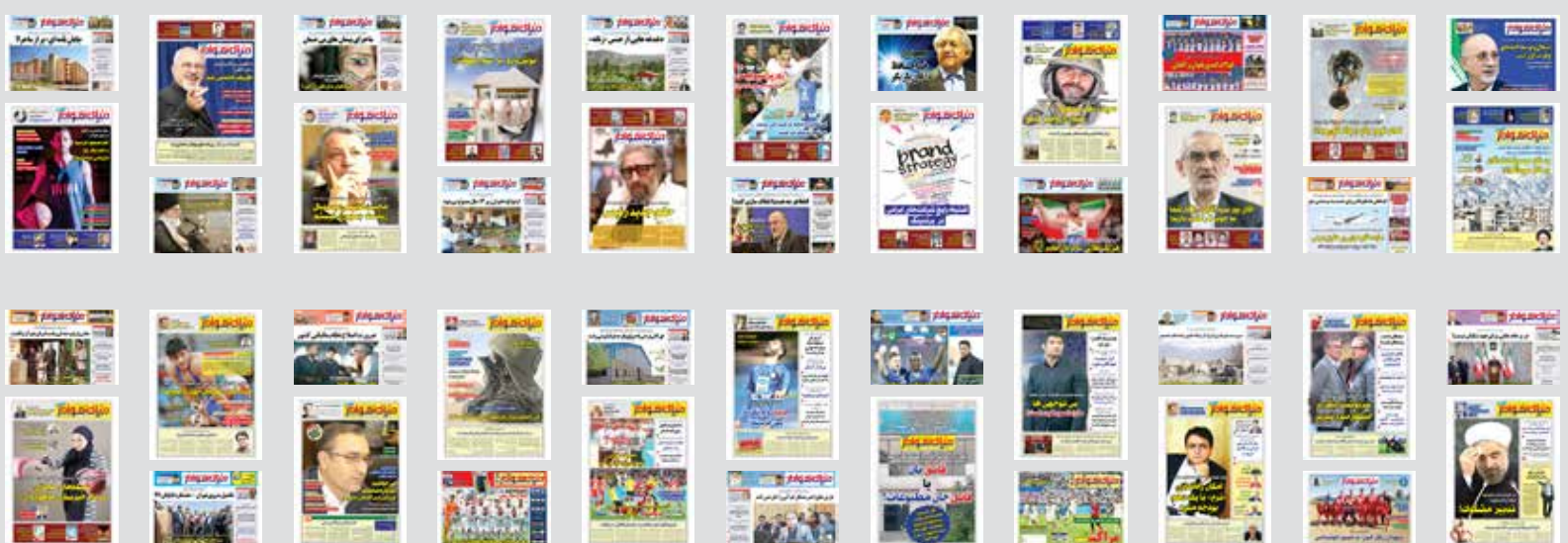
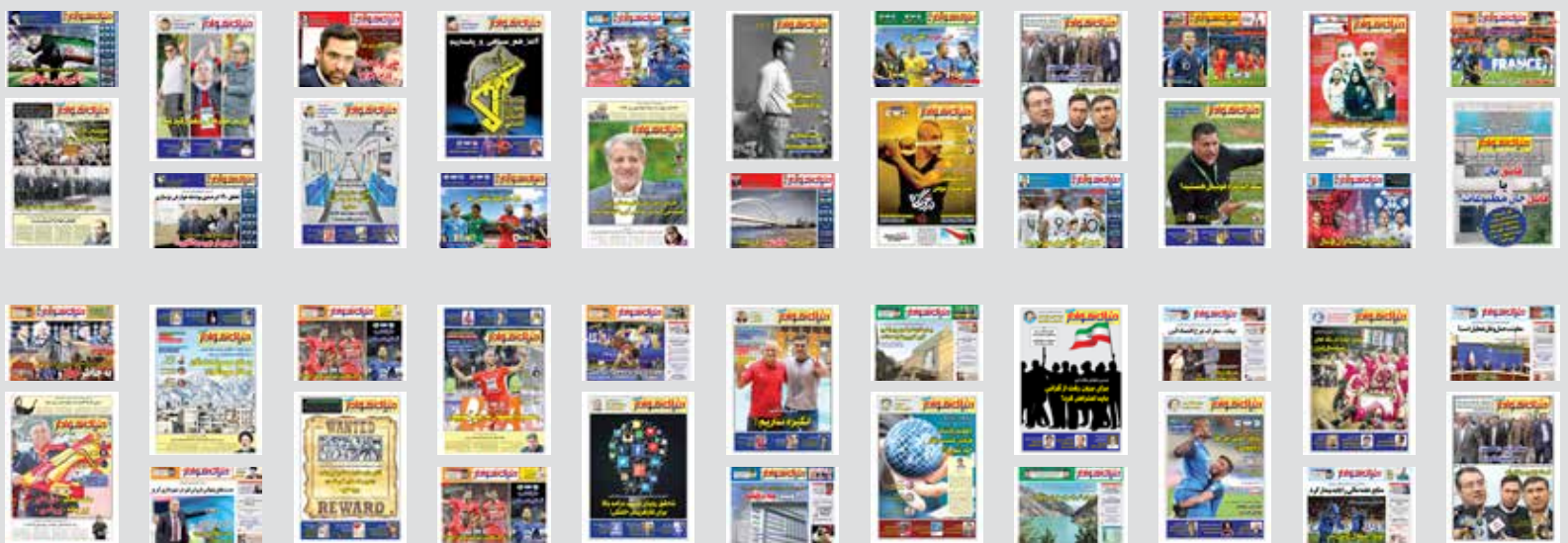
روزنامه اقتصادی - ورزشی

www.donyayahavadar.ir      شنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۸ - قیمت: رایگان      ۲۲۸



در پی عمل «ضد فرهنگی» معاون فرهنگی ارشاد اسلامی البرز؛

## خدا حافظ رئیس جمهور وزیر ارشاد و استاندار البرز







## سر مقاله

## تزییق امید به جامعه با کدام سحر و جادو؟

**سردبیر -** شخصا اعتقاد دارم بخاطر همه قلدر مابانه و زورگویانه دشمنان وجودی ایران، شیاطین جهانی و منطقه ای به دولت ملت ایرانی بر هر ایرانی ای این یک فرض عینی است که با پر هییز از سیاه نمایی، دعوت به صبر و مقاومت علیه این یورش دامنشانه خصم میهن اسلامی مان کنند و آحاد ملت در این مقاومت مقدس باید بیش از پیش نقش آفرینی و تلاش داشته باشند.

اما اینکه ما فقط از مردم و به خصوص طبقات زیرین جامعه انتظار داشته باشیم که این بار سنگین را به تنهایی به دوش کشند و مسئولان خود را بی نیاز از تلاشی مضاعف ببینند خواسته ای به خواست.

از وضع خودمان بگویم برایشان که فقط در یک فقره بالا رفتن قیمت کاغذ و جهش چند برابری آن، عنقریب است که این اوراق را هم نتوانیم برایشان قلمی کنیم؟

از وضعیت قدرت خرید و پول مردم بگویم که هر روز در حال نزول است و مردم بخاطر نبودن ارزش پولشان برای خرید خودرو و ارز و طلا هجوم می آورند؟

از وضعیت قیمت خورد و خوراک بگویم که هر روز یک ماده غذایی از سبد تغذیه مردم بخاطر گرانی پر می کشد؟

از وضعیت عدالت بگویم که در کنار آنچه در بالا گفتم و بسیاری اش را نگفتم مردم باید مانور تجمل عده ای نوکیسه و ثروتمند رانتی باشیم که مانورشان به بخش های به اصطلاح «فرهنگی» (۱) اداره کل ارشاد البرز هم رسیده است؟

به هر جهت، پس از جلسات فراوان با مدیرمسئول روزنامه، تصمیم گرفتیم که سکوت چند روزه «دنیای هوادار» را با فریاد این شماره بشکنیم و از همین جا اعلام کنیم که با توجه به شرایط و ناعدالتی های پیش آمده، در حال حاضر «دنیای هوادار» به دلیل گرانی کاغذ، قطع رگ حیاطی مان (آگهی های دولتی) از سوی «کارشناسان» ارشاد و... موقتا قادر به انتشار نخواهد بود؛ شک نکنید که «دنیای هوادار» تا انتهای عدالت پیش خواهد رفت...

## یادداشت

## محمود از آنچه در آینه می بینید به شما نزدیک تر است!

**رضا تواسعی -** انصافا به محمود و دارودسته اش حق می دهیم که این روزها از همه شاد و شنگول تر باشند و بعضا از این بدمستی به هذیان هم بیفتند.

روحانی با آن همه وعده و وعید اقتصادی و سیاسی اش آمد و با رونمایی از محصول دیپلماتیکش «برجام» ادعای پایان تیره روزی های به جا مانده از زمان معجزه هزاره را داد ولی با یک حرکت قلم تراپ تمام آنچه رشته بود پنبه شد و حالا وضعیت اقتصادی و سیاسی کشور به قدری بد شده که مردم می گویند صد رحمت به کفن دزد اولی...

وعده های جهانگیری در باب ریشه کنی فقر مطلق امروز به قدری خنده دار به نظر می رسد که به عنوان کلیپ طنز در شبکه های اجتماعی دست به دست می شود...

مجلس هم که باعث شده محبوبیت لیاخوف روسی در ایران به شکل حیرت انگیزی بالا برود و مردم پیش خودشان بگویند شاید محمود حق داشت که اصلا مجلس را به هیچ می انگاشت.

خلاصه جمیع مسائل و مشکلات و اتفاقاتی که از روحانی تا ترامپ علت العلل آن هستند باعث شده امروز آن مرد که دیگر رفته، آن قدر شنگول شود که حتی در مجلس عزا هم نتواند لبخند خود را پنهان کند و دوباره فیلش هوای هندوستان بکند و در چند فقره شادگویی های مسبوق به سابقه دم از بارانه یک میلیون تومانی بزند!

یک وقت هم دیدید به سرش زد و خواست نقش گوایدو در ونزوئلا را برای ایران باز آفرینی کند و فتنه جدید به پا کند. از ما گفتن، به قول هواداران معجزه هزاره: **محمود از آنچه در آینه می بینید به شما نزدیک تر است!**

## معاونان فرهنگی البرز بدون تدبیر روزنامه های استان بدون امید!



مجید سعیدی

افزایش روزانه و لحظه ای قیمت کاغذ عرصه را بر همه ناشران به ویژه روزنامه های کثیرالانتشار و البته خصوصی به شدت تنگ کرده است! اگرچه در این خصوصی اخباری دایر بر واردات کاغذ به قیمت تعادلی به گوش می رسد! بر فرض محال که این رخداد به وقوع بپیوندد و مکانیزم توزیع عادلانه کاغذ در سطح وزارت محترم ارشاد به درستی طی شود، شاید قدری ضربهان به شمارش افتاده روزنامه های خصوصی نظیر «دنیای هوادار» دوباره امیدوار شوند اما آنهایی که دستی بر آتش نشر و چاپ به ویژه روزنامه دارند، نیک می دانند حیات روزنامه های خصوصی با دامنه انتشار فرا استانی/منطقه ای به عوامل دیگری از جمله آگهی گره خورده است.

گره ای که در دستان اداره فرهنگ و ارشاد البرز این منطقه است و آن ها وظیفه دارند آن را با انجام مدیریت فراگیر و مبتنی بر رفتارهای وظیفه مداری و با رعایت اعتدال آن را از پای روزنامه های خصوصی باز کنند! اما!

اما گره انداختن و گره کور زدن به پای روزنامه ای چون «دنیای هوادار» که به عنوان روزنامه ای پرمخاطب که در رنکینگ منطقه ای با دریافت لوح

زرین و اخذ تقدیرنامه در سطح ممتاز قرار دارد، عملا حیات این روزنامه از سوی اداره فرهنگ و ارشاد استان البرز به خطر افتاده است. تا جایی که حذف تخصیص آگهی های دولتی متاثر از تصمیمات و رفتارهای سلیقه ای موجب تصمیم به عدم انتشار روزنامه شده که در سرآمدی اداره فرهنگ و ارشاد البرز تاثیر شگرفی داشته است. چرا اداره فرهنگ و ارشاد استان به چنین تصمیمی مبادرت نموده؟ ما قصد نداریم به اعمالی که از سلیقه شخصی نشات گرفته است مبادرت نماییم، اما فراهم نمودن زمینه حذف روزنامه ای که به شهادت به دوست و دشمن با انجام رسالت فرهنگی و خبری دارای جایگاه ویژه ای در میان آحاد جامعه شده است، نشان از نوعی آرایش جنگی درونی دارد که اساسا با سیاست های دولت «تدبیر و امید» در تعارض است!

به راستی، چه مقامی و چه دستگاهی باید به این تقاضا رسیدگی و از همه مهم تر رفتارهای سلیقه ای برخی از افراد را کنترل نماید؟ برخوردهای عنادگونه و عیضا شخصی برخی مقامات اداره «فرهنگ» و «ارشاد» استان البرز با هیچ منطق علمی و

رفتاری و همچنین استراتژی های سازمانی برخاسته از دولت تطابق ندارد. تردیدی نیست که استمرار این روش پیکره فرهنگی آسیب پذیر استان البرز را که به یک «ایران کوچک» و با هر زبان و قومیتی در آن ساکن اند با خسران رو به رو خواهد ساخت. شایسته است که وزیر محترم ارشاد هر چه سریعتر به حال برخی مدیران و کارشناسان کینه توز معاون فرهنگی اداره فرهنگ و ارشاد استان البرز چاره ای بیاندیشد و یا به حال آن ها و روزنامه های مستقل و شخصی نظیر «دنیای هوادار» که با عشق و علاقه تمام سرمایه و زندگی خود را صرف انتشار روزنامه کرده اند تا براساس قانونی اساسی نقش بنیادینی فرهنگ جامعه ایفا نمایند. فردا دیر است. ضربهان قلب ما به شماره افتاده؛ همین امروز باید «کاری» کرد. فضای امروز، فضای اندیشه های آزاد در بازار آزاد است. صحبت از روزنامه های زنجیره ای نیست، ما در زنجیره ارزش ها قرار داریم. ارزش های اجتماعی و فرهنگی که رسالتی به جز این نداریم؛ اما دارند گلوی ما را می فشارند! امروز اگر تدبیر نکنید، فردا را امیدی نیست.

## دنیای هوادار آزرده!

## هر چه بگنند نمکش می زند، وای به روزی که بگنند نمک!

می شد به یک بعضی های خاص و الباقی را وعده می دادند به سر خرمن و چراندن غاز!!! که قطعاً اگر چنین بود باید فاتحه چنین اداره ای را که چه عرض کنم باید فاتحه استانداری و وزارتخانه اش را هم خواند. آن وقت بود که شورش یا اصلا گندش یا حتی خیلی چیزهای دیگرش در می آمد. نه نه لطفا فکر بد نکنید!

سلام کسی را علیک نمی گفتند وقتی هم شکایت به مدیرشان می بردی می گفت اهمیت ندهید اینها جواب سلام بنده را هم نمی دهند!!! یا به فرض مدیران و معاونان جواب تلفن اهل فرهنگ را هم نمی دادند!!! یا توزیع عادلانه بسته ها و سهمیه ها مانند اینها در میان اهالی فرهنگ به طور خیلی هدفمندی منحصر

سر تا پایش می بارد. وارد که میشوی کارمندی نیست که پیش پای ارباب رجوع محترم بلند نشده و تا کمر خم نشود. و مدیری نیست که با تمام توان در خدمت اهالی فرهنگ شب و روزش را به هم ندوخته باشد. عدالت انقدر وافر شده که گاهی دل آدم را می زند. اما فرض کنید اینطور نبود، فی المثل نه کارمند و نه خدمه

مهسا تیموری - چرا!!! چون وقتی به این نمکی که گندیده نمک بزنند شورش در می آید شاید هم گندش در می آید شاید هم خیلی چیزهای دیگرش در بیاید. نه فکر بد نکنید مثلا شاید ریشش در بیاید. حالا شده حکایت همین اداره فرهنگ و ارشاد خودمان که از پایین تا بالا فرهنگ و ادب و هنر از

## نخودهرآش

## تو بمان و دگران وای به حال دگران...!

رادیکال، شاید با حذف اضافات قدری جان بگیریم گفتند عدد منفی زیر رادیکال نمی رود، بنابر این راهی جز تفریق برایمان نماند. با این اوضاع نابسامان کاغذ و چاپ و سهمیه های آگهی گویا خودمان را از جمع منتشرشدنی ها منها کنیم بهتر است. به قول جناب شهریار ما گذشتیم و گذشت آنچه که با ما کردی / تو بمان و دگران وای به حال دگران

سهمیه روزنامه های فعال و پرتیراژی مانند همین که در دست دارید و همچنین اختصاص سهمیه آگهی به نشریات دو روزنامه ای که نصف خودشان را در ایام پخش کرده اند نحوه عمل تقسیم آن هم از نوع عادلانه بر ما مثل روز روشن شد. باید به اطلاع گرامیان اداره فرهنگ و ارشاد و البته جناب نماینده دولت برسانیم که براساس نوع رفتار حضرات با ما و عدم ارائه علیک به سلامی که عرض شد، ضرب را هم شناختیم و

آقایان تصمیم گیر عزیز، از اینکه ما را با واقعیت دانش ریاضیات آشنا فرمودید به جد سپاسگزاریم. با توجه به عدم تخصیص تعداد آگهی



علی ساجدی

# درخشش «دنیای هوادار» در آسمان مطبوعات البرز

## یادداشت

### به «سکوت»، آخرین سنگر پناه می بریم...



مهررداد تیموری

گفتیم از معاون و کارشناس فرهنگی استان البرز که در حمایت از متخلف پای بر رگ حیاتی جریده ما گذاشته و به گناهی که نمی دانیم چیست چندرقاز آگهی را هم از ما دریغ کردند یا به شکلی به قصد آزار و اذیت آگهی ۱۱ کادری را ۵ کادر می دانند؛ ما هم بر آن شدیم تا عطاایش را به لقایش ببخشیم. گفتیم از تخلفاتی که در جریان ارسال این آگهی ها به جراید متخلف و متقلب می شود و معاونت فرهنگی ارشاد کرج دست اندرکار اصلی آن است. گفتیم از اینکه تخلف و گشاده دستی رانته این دستگاه متخلف را پیگیری می کنیم. رفتیم و پیگیری کردیم... پیش مدیر کل مطبوعات داخلی وزارت ارشاد و سایر مسئولان استانی رفتیم. بسیاری از بزرگان مسئول در این وادی را دیدیم و با از طریق فضای مجازی با آنان آنچه بود را با سند و مدرک مطرح کردیم اما به جز «حرف» چیزی نصیبمان نشد!

انگار حیات و ممت جریده ما برای ایشان اصلا مطرح نیست. همان جریده ای که در ابتدای راه و در همان شمارگان دهم خود در نمایشگاه مطبوعات آن هم در حالی که غرفه ای با عجله در طبقه دوم تهیه شد و جراید اصلی آن موقع استان جملگی هزارمین شماره شان را منتشر کرده بودند و با تجربه طبقه اول غرفه دار بودند، برای استان هیچ مقامی کسب نکردند؛ ولی «دنیای هوادار» کاندیدای غرفه برتر شد در نهایت به عنوان «غرفه فعال» شناخته و جایزه ای هم دریافت نمود.

مدت هاست که حرفه ای گری را سرلوحه کار خود قرار دادیم و به گفته دوست و دشمن جریده ای در حد استانداردهای کشوری را گرداندگی می کنیم و رسالت قلم را در بالاترین حد آن پاسداری کردیم اما ظاهرا دیگر نمی خواهند باشیم.

نمی خواهند باشیم چون نمی توانیم در حالی که در کنار مردم این شرایط سخت اقتصادی را حس می کنیم، روا نمی داریم که لب فرو بندیم و از دردهای بیشتر شده این مردم نگوییم. دردهایی که بیش از اینکه محصول تاثیر عناد دشمن خارجی باشد، به خاطر موثر بودن بی خاصیتی و بی مبالاتی مسئولان داخلی است!

ما شاید زیر آتش دشمنان روبه رویمان می توانستیم این سنگر را حفظ کنیم ولی زیر آتش آن هایی که خودی می پنداشتیم نمی توانیم چنین کنیم. هیچ سربازی نمی تواند در حالی که خنجر از پشت خورده ادامه دهد...

... و اینگونه است که باید به آخرین سنگر رفت همانی که نامش خاموشی است. همان سکوت که مدفن آخرین نعره ها و فریادها است. همان جایی که مامن صبر جمیل است برای آنکه زمان داوری کند بین ما و شما و مسائل را روشن کند...

## ناصر مقدم

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی البرز



جناب آقای مهرداد تیموری مدیرمسئول محترم روزنامه دنیای هوادار ضمن عرض تبریک نوروز ۹۸ بدینوسیله لازم می دانم از همکاری حضرتعالی با این اداره کل، بالاخص زحمات بی شائبه و موثری که در نهمین نمایشگاه کتاب استان البرز در سال ۹۷ به ویژه اقدام مفید در راستای رایگان شدن ورودی به نمایشگاه را تقدیر و تشکر نموده و موفقیت بهروزی از درگاه ایزد منان خواستارم.



## محمدعلی نجفی

استاندار سابق البرز



جناب آقای مهرداد تیموری مدیرمسئول محترم روزنامه دنیای هوادار رضایت پروردگار متعال و آرامش وجدان که نتیجه خدمت صادقانه و خالصانه است، خود بهترین و ارزشمندترین تشکر و قدردانی است، لیکن به مصداق حدیث شریف من لم یسکر المخلوق لم یسکر الخالق، از جنابعالی به پاس تلاشهای ارزنده در انعکاس مناسب اخبار مربوط به تحولات استان البرز که با تلفیق نوآوری، حرفه ای گری و ظرافت های هنرمندانه است، تقدیر و تشکر می نمایم. امید است در جهت اعتلای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و سیاست های دولت تدبیر و امید موفق و سربلند باشید.



## محمدعلی نجفی

استاندار سابق البرز



جناب آقای دکتر سلطان فر معاون محترم مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با سلام و تحیت احتراماً؛ با آرزوی قبولی طاعات و عبادات به استحضار می رساند روزنامه اقتصادی - ورزشی دنیای هوادار دارای گستره توزیع استان البرز - گیلان - مازندران و آذربایجان شرقی در مدت اندک فعالیت در سایه اتحاد، همدلی و تخصص مجموعه ای از جوانان ساعی در کنار افراد با تجربه اقدامات قابل قبول در عرصه اطلاع رسانی داشته اند در بازدیدی که در آبان ماه سال ۹۶ از غرفه مذکور داشتیم تحت تاثیر توانمندی و اقدامات خوب اعضای روزنامه قرار گرفتیم. نظر به ضرورت حمایت از فعالین عرصه اطلاع رسانی خواهشمند است دستور فرمایید تدبیری اتخاذ گردد تا نسبت به تبدیل مجوز از گستره منطقه ای به سراسری اقدامات لازم معمول گردد. شایان ذکر است مجموعه مدیریتی استان البرز نیز شرایط کشوری شدن این روزنامه و پشتیبانی ذریبط را فراهم خواهد آورد.



## اکبر حیدری

مدیرعامل خانه مطبوعات استان البرز



جناب آقای مهرداد تیموری مدیرمسئول محترم روزنامه دنیای هوادار کسب عنوان سومین غرفه برتر در نمایشگاه مطبوعات در گروه تخصصی و اختصاصی را به شما و مجموعه روزنامه دنیای هوادار تبریک عرض می نمایم و از ایزد مهربان سلامتی و توفیقات روزافزون شما را خواستارم.





# دنیایکس

از استاندار سابق البرز تا نماینده  
در مورد «دنیایکس»

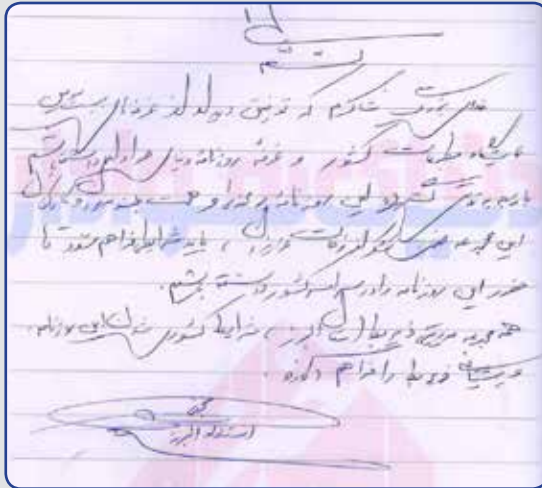
## رسانه‌ای نو بار پر محتوا، تاثیر

باد باد آن روزگاران... برگه‌های این دفتر پر از خاطره را که در مطبوعات که در سال ۱۳۹۶ برگزار شد، می‌گذرد. نمایشگاه شیرین است؛ از همان تحویل غرفه به فاصله ۱۲ ساعت تا افتتاح آنها در بخش غرفه سازی با کمبود امتیاز مواجه شد - به ه صحبت‌هایی که در آن سال از طرف برخی مقامات و دوستان مطرح شد را سهیم می‌کنیم که خواندن آن خالی از لطف نماند.



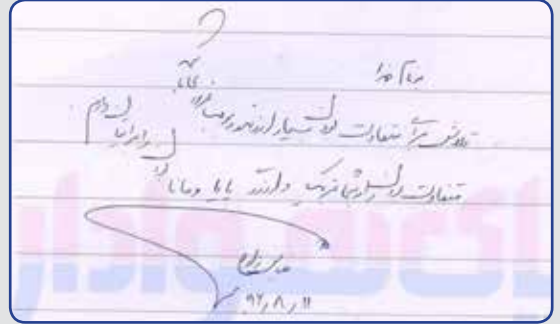
**محمد علی نجفی**  
استاندار سابق البرز

خدای بزرگ را شاکرم که توفیق دیدار از غرفه‌های بیست و سومین نمایشگاه مطبوعات کشور و غرفه روزنامه دنیایکس را داشته باشم. با توجه به تلاش گسترده این روزنامه پرمحتوا و همت بلند مدیران و کارکنان این مجموعه ضمن تشکر از زحمات عزیزان، باید شرایطی فراهم شود تا حضور این روزنامه را در سراسر کشور داشته باشیم. همه مجموعه مدیریتی ذریط استان البرز، شرایط کشوری شدن این روزنامه و پشتیبانی ذریط را فراهم آورند.



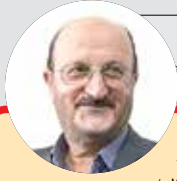
**عباس زارع**  
رئیس شورای شهر کرج

تلاش برای متفاوت بودن بسیار ارزشمند و موجب غرور می‌باشد. متفاوت بودن را به شما تبریک و آرزو پایا و مانا بودن برایتان دارم.



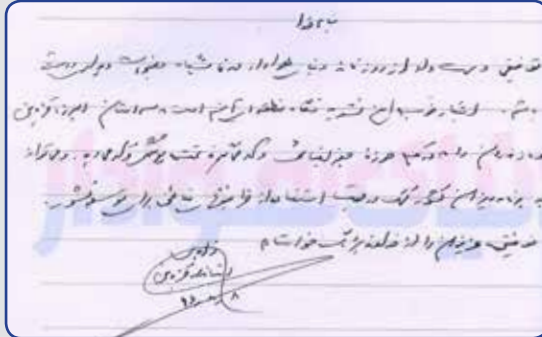
**فتح الله حقیقی**  
استاندار زنجان

... امروز توفیق شد از دنیایکس هوادار بازدید داشته باشم. خوشبختانه علی رغم سن جوان این روزنامه با توضیحات مدیر محترم خوشحال شدم علی رغم جوان بودن در موضوعات متنوع با نوع آوری‌های خود خصوصا در باب جوانان عزیز توانسته جایگاه خوبی را کسب کند که آرزوی توفیق مستمر برای دست اندرکاران این روزنامه دارم.



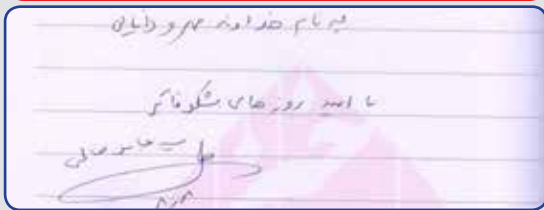
**عبدالمحمد زاهدی**  
استاندار قزوین

توفیقی دست داد از روزنامه دنیایکس هوادار در نمایشگاه مطبوعات دیداری داشته باشم. ابتکار خوب این نشریه نگاه منطقه‌ای آن است. سه استان البرز، قزوین و مازندران را در یک حوزه جغرافیایی تحت پوشش قرار می‌دهد و می‌تواند به برنامه ریزان کشور کمک کند در جهت استفاده از ظرفیت‌های مناطق برای توسعه کشور. توفیق عزیزان را از خداوند بزرگ خواستارم.



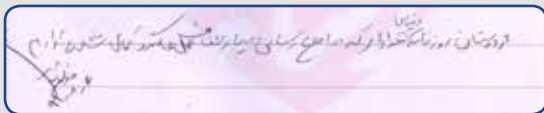
**سیدعباس طالحی**  
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

با امید روزهای شکوفاتر.



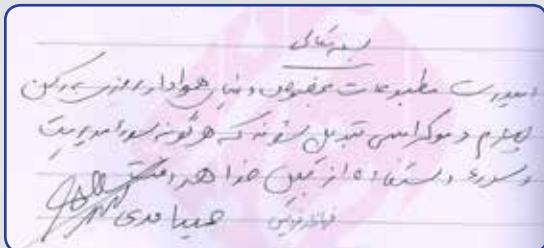
**علی خیلدار**  
مدیرکل اسبق فرهنگ و ارشاد البرز

از دوستان روزنامه دنیایکس هوادار که در اطلاع رسانی بسیار شفاف عمل می‌کنند، کمال تشکر را دارم.



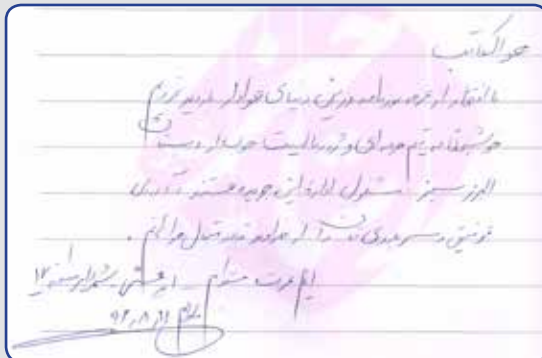
**حمید احدی**  
فرماندار سابق فردیس

امید است مطبوعات بخصوص دنیایکس هوادار روزی به رکن چهارم دموکراسی تبدیل شوند که هرگونه سوءمدیریت و سوء استفاده از بین خواهد رفت.



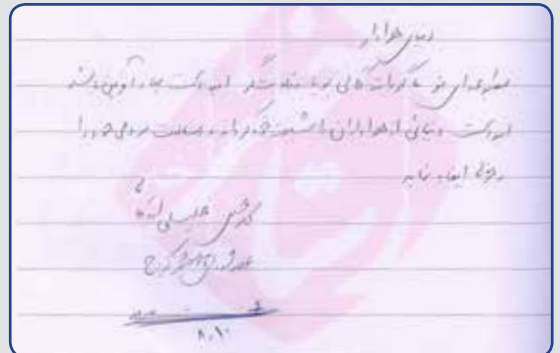
**امیر محسنی**  
شهردار منطقه ۱۷ تهران

با افتخار از غرفه روزنامه وزین دنیایکس هوادار بازدید نمودم. خوشبختانه تیم حرفه‌ای و ژورنالیست خوب از استان البرز سبز، مشغول اداره این جریده هستند. آرزوی توفیق و سربلندی تان را از خداوند قادر متعال خواهانم. ایام عزت مستدام.



**محمد حسین اردگانی**  
عضو شورای شهر کرج

دنیایکس هوادار، مطبوعه‌ای نو با گرداندگانی پویا و تلاشگر امید است بهار آفرین باشد. امید است دنیایکس هواداران را شایسته خود گرداند و رسالت مردمی خود را به خوبی ایفا نماید.



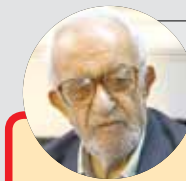


# هوادار

مجلس شورای اسلامی  
هوادار چه گفتند

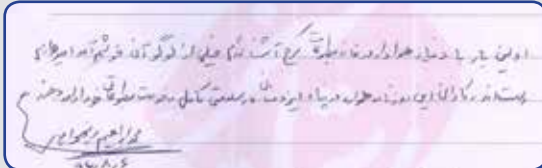
## ویگردی نوین، گذار و شفاف

ق می زنیم، انگار سالیان درازی از روزهای آخرین نمایشگاه  
هی که برای تک تک اعضای آن مجموعه پر از خاطره های  
تأخیریه نمایشگاه گرفته تا کسب عنوان سوم غرفه برتر - که  
مبین جهت، شما را هم در خواندن بخشی از یادداشت ها و  
- از استاندار سابق البرز تا نماینده مجلس شورای اسلامی -  
واهد بود.



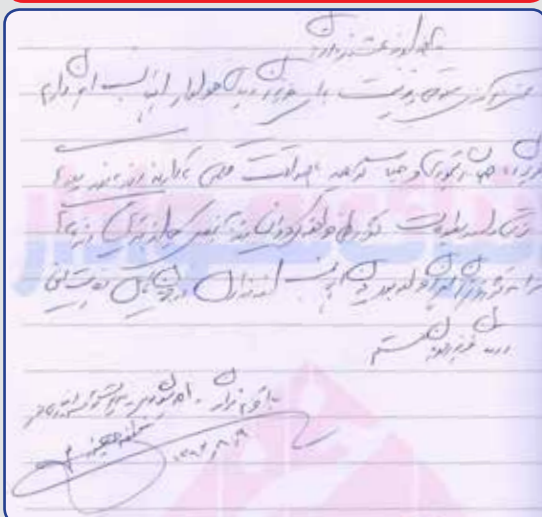
**زنده یاد محمد ابراهیم رنجبر**  
قدیمی ترین روزنامه فروش جهان

اولین بار با دنیای هوادار در خانه مطبوعات کرج  
آشنا شدم. خیلی از لوگوی آن خوش آمد امیدوارم  
دست اندر کاران این روزنامه همواره در پناه ایزدمان در سلامتی کامل به  
خدمت مطبوعاتی خود ادامه دهند.



**احمد میلانی**  
مدیریت موسسه اعتباری نور البرز

ضمن آرزوی سلامتی و موفقیت برای عزیزان  
دنیای هوادار اینجانب ایمان دارم عزیزان، جناب آقای  
تیموری و جناب توحید با صداقت قلمی که دارند روز به روز پله های ترقی  
را در مطبوعات کشور طی خواهند کرد و این روند بزودی یکی از بهترین  
روزنامه های سراسر کشور عزیزمان ایران خواهد بود چون اینجانب از روز اول  
در جریان کامل فعالیت این دوستان عزیز و مهربان هستم.

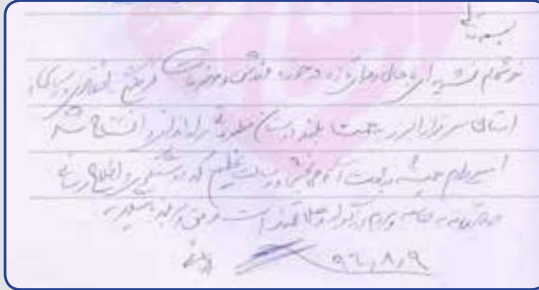


**سید حمید طهایی**

استاندار اسبق البرز



خوشحالم نشریه ای با حال و هوای تازه در حوزه  
ورزش و موضوعات فرهنگی - اقتصادی و سیاسی  
در استان سرفراز البرز به همت بلند دوستان مطبوعاتی راه اندازی و افتتاح  
شد. امیدوارم همیشه در جهت آگاهی بخشی و رسالت عظیم که روشنگری  
و اطلاع رسانی صادقانه به جامعه و مردم بزرگوار و علاقمند است، موفق و  
سر بلند باشید.

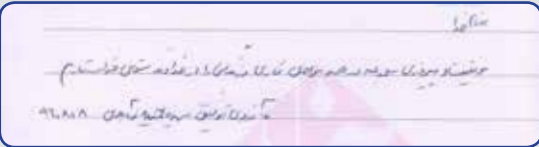


**سید حمیده زرآبادی**

نماینده مردم قزوین در مجلس شورای اسلامی



موفقیت و پیروزی مجموعه در همه مراحل کاری  
و زندگی را از خداوند متعال خواستارم.

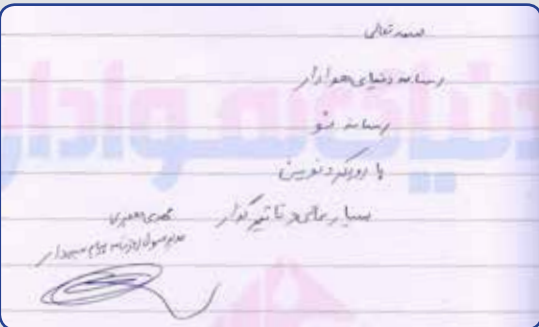


**مهدی جعفری**

مدیر مسئول روزنامه پیام سپیدار



رسانه دنیای هوادار، رسانه نوب، بارویکردی نوین.  
بسیار عالی و تاثیر گذار.

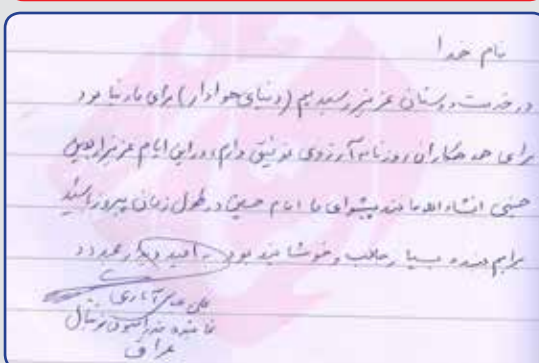


**علی عباس آبادی**

نماینده فدراسیون فوتبال عراق



در خدمت دوستان عزیز رسیدیم (دنیای هوادار)  
برای ما دنیا بود. برای همه همکاران روزنامه آرزوی  
توفیق دارم. در این ایام عزیز اربعین حسینی انشاءالله مانند پیشوای ما امام  
حسین (ع) در طول زمان پیروز باشید. برای بنده بسیار جالب و خوشایند  
بود. به امید دیدار مجدد



**محمد نبیونی**

رئیس اسبق شورای شهر کرج



ضمن تقدیر و تشکر از خدمات و زحمات  
دست اندر کاران روزنامه دنیای هوادار و تبریک به  
شما عزیزان که علیرغم کوتاهی زمان حضور در این عرصه جایگاه و مقام  
بسیار خوبی را کسب کرده اید و با آرزوی توفیق بیشتر.  
قطعا روزنامه ای که با پشتوانه افکار عمومی وارد عرصه شده است، به هیچ  
وابستگی مال و سیاسی می تواند چشمان بینای مردم باشد و نقش نظارتی  
خود را به خوبی ایفا نماید.

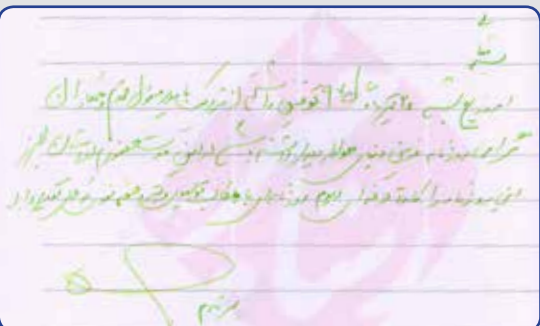


**ناصر مقدم**

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی البرز



امروز پنجشنبه ۲۸ تیرماه سال ۹۷ توفیق داشتم  
از نزدیک با مدیرمسئول محترم و همکاران گرامی  
روزنامه وزین دنیای هوادار دیدار داشته باشم. در این مدت حضور در استان  
البرز، این روزنامه را کاملا حرفه ای دیدم. روزنامه ای با مطالب تولیدی و تیتیر  
و صفحه بندی که جای تقدیر دارد.

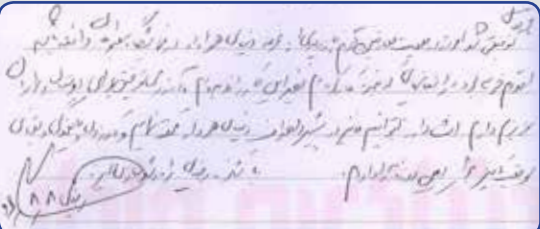


**تقی رضایی**

مدیرکل راه و شهرسازی استان البرز



توفیقی شد امروز در معیت معاونین محترم،  
بازدید از غرفه دنیای هوادار در نمایشگاه مطبوعات  
داشته باشم. اقدام خوبی بود. در استان هایی که بنده کار کرده ام نظیر این  
کار را ندیده ام. آرزوی توفیق برای دوستان و برادران عزیزم دارم. ان شاءالله  
بتوانیم ما نیز در پیشبرد اهداف دنیای هوادار کمک نماییم و آرزوی پایداری  
موفقیت آمیز برای این روزنامه را دارم.







به بهانه سالروز تولد بهترین کارگردان حال حاضر سینمای ایران؛

## ستارگان سینمای فرهادی



احمد شاهباز

پس از درخشش گروه بازیگری دو فیلم «شهر زیبا» (فرامرز قریبیان، ترانه علیدوستی، بابک انصاری و آهو خردمند) و «چهارشنبه سوری» (هدیه تهرانی، حمید فرخ نژاد، ترانه علیدوستی و پانته آ بهرام) هم در جشنواره فیلم فجر و هم در جشن خانه سینما و هم نزد نویسندگان و منتقدان سینمایی و از همه مهم تر درخشش گروه بازیگران «درباره الی» و بخصوص گروه بازیگری «جدایی نادر از سیمین» آن هم در جشنواره برلین، این روزها آرزوی همه بازیگران سینمای ایران بازی در فیلمی از اصغر فرهادی است. آرزویی که در دهه شصت و هفتاد و نیمه اول دهه هشتاد حضور در فیلمی از مسعود کیمیایی بود. به این بهانه، نگاهی خواهیم داشت به بازیهای درخشان بهترین بازیگران سینمای ایران در دو دهه هشتاد و نود در فیلم های اصغر فرهادی.

## ترانه علیدوستی



پس از اینکه در اولین حضورش مقابل دوربین در من ترانه پانزده سال دارم سیمرغ بلورین جشنواره بیستم فیلم فجر را از آن خود کرد، در دومین فیلم سینمایی اش ثابت کرد که کسب سیمرغ تصادفی نبوده است: شهر زیبا (اصغر فرهادی، ۱۳۸۲). پس از آن در دو فیلم دیگر فرهادی هم خوش درخشید: چهارشنبه سوری و درباره الی. در چهارشنبه سوری در نقش روحی دختر خدمتکاری بازی کرد که روز چهارشنبه سوری وارد خانه ای در شمال شهر می شود که زن و شوهرش با هم اختلاف دارند. لهجه و نوع راه رفتن ترانه در نقش روحی از ویژگیهای بازی علیدوستی در چهارشنبه سوری است. اما بازی ترانه در درباره الی ... به نظر نگارنده یکی از بهترین بازیهای درونی دهه هشتاد است. فقط کافی است به فصل دو نفره الی و احمد در ماشین نگاه کنیم: وقتی موبایل الی زنگ می خورد، یک آن تمرکزش بهم می ریزد. این بازی در نیمه دوم فیلم و پس از غرق شدن الی است که به چشم می آید. در تماشای دوم بازی ترانه را زیر نظر بگیرید، او واقعا معرکه بازی کرده است. نقش آفرینی علیدوستی در فروشنده که به لحاظ بازی در سکوت می تواند ادامه هنرنمایی او در درباره الی ... باشد، آنچنان عالی و درجه یک است که مثال های بسیار زیادی برای اثبات این ادعا می توان از تک تک پلان های فیلم آورد. فقط کافی است به بازی او در فصلی که پس از آن اتفاق وحشتناک با کمک یکی از بچه های تئاتر روی تخت خواب خانه دراز می کشد و بدون آنکه به عماد نگاه کند، به او می گوید که در را نبندد یا فصلی که رعنا دارد موقوف را برای عماد تعریف می کند، علیدوستی در اوج هنرنمایی است.

## شهاب حسینی



شهاب حسینی وقتی در درباره الی ... بازی کرد که برای بازی در محیا برنده دیپلم افتخار شده بود و برای بازی در فیلم های شمعی در باد، رستگاری در هشت و بیست دقیقه کاندیدای دریافت جایزه بود. حسینی برای بازی در فیلم های درباره الی و سوپرستار کاندید سیمرغ شد که آن را برای سوپرستار گرفت. شهاب حسینی در درباره الی ... برخلاف سوپرستار که بازی اغراق شده ای را می طلبیده، رئال بازی کرد. نگاه کنید به واکنش احمد در فصل دونفره با سپیده در ماشین که وقتی سپیده به او از نامزد الی می گوید. بازی حسینی در این فصل اوج توانایی هایش است. اما حسینی زمانی در جدایی نادر از سیمین بازی کرد که شاه نقشی در کارنامه سینمایی اش اضافه کرده بود: پرسه در مه (بهرام توکلی، ۱۳۸۸). بازی شهاب حسینی در نقش حجت در جدایی ... وقتی گرانبهاتر از بازی او در پرسه در مه می شود که بدانی حجت فرسنگها از شهاب حسینی دور است. مردی از طبقه کارگر و فقیر جامعه که باید به حق از همسرش دفاع کند، اما وقتی حرف پول به میان می آید حتی حاضر است گناه قسم دروغ همسرش را هم به عهده بگیرد. حسینی، حجت را به زیبایی بازی کرده است. فصل اولین رویارویی حجت با نادر در بیمارستان و همینطور فصل خودزنی اش در آشپزخانه گواهی است بر این مدعا. روند تغییر شخصیتی عماد طی جستجویی که برای یافتن شخص متعارض در فروشنده اتفاق می افتد بدون هنرنمایی شهاب حسینی قطعا به موفقیت فعلی نمی انجامید. فصل گره گشایی در حالی که عماد با پیرمرد روبرو می شود را می توان اوج نقش آفرینی حسینی در فروشنده دانست. به این فصل اضافه کنید ری اکشن دیدنی وی را پس از اعتراض راننده ها وقتی رعنا به او می گوید که وانت سر جایش نیست.

## فرامرز قریبیان



قریبیان پس از دریافت سیمرغ بلورین جشنواره هجدهم برای بازی در نقش دکتر بارانی در فیلم مرد بارانی و پس از سه سال دوری از سینما، دو بازی متفاوت و فراتر از تصور در دو فیلم از اصغر فرهادی به کارنامه سینمایی اش افزود: رقص در غبار (۱۳۸۱) و شهر زیبا (۱۳۸۲). قریبیان در رقص در غبار در نقش مرد مارگیر تنها و بدخلق عالی ظاهر شد و در شهر زیبا مرد مسنی را به زیبایی بازی کرد که تحت هیچ شرایطی حاضر نیست به خانواده قاتل دخترش رضایت بدهد. فصل درددل مرد مارگیر با نظر (یوسف خداپرست) در حالی که سوار بر ماشین او را می برد تا به بیمارستان برساند در رقص در غبار و تمامی فصول شهر زیبا اوج درخشش بازیگری است که پنج دهه است در سینمای ایران بازی می کند.

## هدیه تهرانی



پس از شش سال از بازی تحسین برانگیزش در شوکران (بهروز افخمی، ۱۳۷۸) در فیلمی دیگر درخشید و نام خود را با دیگر سر زبانها انداخت: چهارشنبه سوری (۱۳۸۴). بازی در نقش مژده زنی که به حق به همسرش ظنین است. فصل درددل مژده با خواهرش (سحر دولتشاهی) در حمام را به یاد بیاورید که چطور با صدای گرفته و چشمانی خیس از خیانت مرتضی می گوید. همین یک فصل به یک سیمرغ بلورین می آرد که جشنواره فیلم فجر آن را به هدیه تهرانی داد. سیمرغی که قبلا هدیه آن را برای بازی در خورشید در فیلم قرمز (فریدون جیرانی، ۱۳۷۷) به دست آورده بود. هدیه تهرانی برای بازی اش در چهارشنبه سوری تندیس جشن خانه سینما را هم از آن خود کرد و تحسین منتقدان و نویسندگان سینمایی را هم برانگیخت.

## صابر ابر



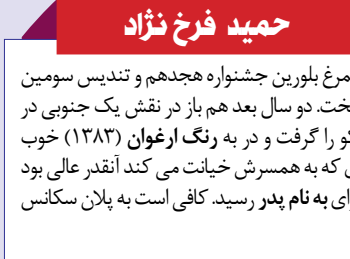
از همان اولین حضورش به عنوان بازیگر در میانی شهر خاموش (امیرشهاب رضویان، ۱۳۸۵) که تندیس جشن خانه سینما را از آن خود کرد تا آخرین بازی اش در نقش کوتاهی در فیلم آقا یوسف (علی رفیعی، ۱۳۸۹) عالی بود. در این میان اما بازی اش در درباره الی ... حتی یک سر و گردن از دیگر بازیگران آن فیلم هم بالاتر بود. وقتی علیرضا وارد ویلا می شود و تا زمانی که نگاهش را از آینه ماشین به ساک الی می بینیم، صابر ابر معرکه است. بخصوص دومین فصل حضورش در ویلا که منجر به درگیری با احمد می شود و حتی بازی در سکوت او در اولین برخوردش با خانواده ها، شدت تحسین برانگیز است.

## گلشیفته فراهانی



وقتی گلشیفته فراهانی در اوج هنرنمایی اش در نقش سپیده مادری شیمیایی در فیلم **میم مثل مادر** ظاهر شد و تحسین همگان را برانگیخت، کسی فکر نمی کرد که بتواند در فضایی غیر از یک ملودرام سوزناک و اشک انگیز اجرای معرکه ای داشته باشد. فراهانی باز هم در نقش سپیده مادری که الی مری مهرداد فرزندش را با دوستان و خانواده اش در سفری به شمال همراه می کند تا او را با احمد آشنا کند در **درباره الی** ... بازی کرد. پس از ناپدید شدن الی، بازی فراهانی آغاز می شود: نمایش گرفتار شدن سپیده در موقعیتی دشوار که از طرفی نمی تواند آبروی الی را ببرد و به نامزد او دروغ بگوید و از طرفی هم اگر راستش را بگوید آبروی خانواده و دوستانش در خطر است. در نیمه دوم فیلم، بازی گلشیفته در **درباره الی** ... ماندگار است. و جالب اینجاست که گلشیفته پس از بازی در **مجموعه دروغ های** رایبدلی اسکات در کنار لئوناردو دی کاپریو و با کوله باری از تجربه همکاری با گروهی هالیوودی در **درباره الی** ... بازی کرد. بازی فراهانی در **درباره الی** ... بهترین حضورش در سینمای ایران در دهه هشتاد بود.

## حمید فرخ نژاد



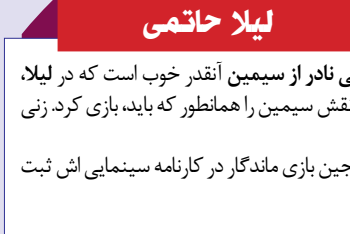
در سال ۱۳۷۸ چهره ای ظهور کرد به نام حمید فرخ نژاد با بازی و نویسندگی در فیلم **عروس آتش** (۱۳۷۸). او سیمرغ بلورین جشنواره هجدهم و نندیس سومین جشن خانه سینما را گرفت، از جشنواره کارلوواری جایزه گرفت و تحسین نویسندگان و منتقدان سینمایی را برانگیخت. دو سال بعد هم باز در نقش یک جنوبی در **ارتفاع پست** (۱۳۸۰) خوش درخشید و سه سال بعدش هم در **طبل بزرگ زیر پای چپ** (۱۳۸۳) جایزه جشنواره مسکو را گرفت و در **به رنگ ارغوان** (۱۳۸۳) خوب ظاهر شد. اما بازی او در **چهارشنبه سوری** (۱۳۸۴) بود که چهره دیگری از او به نمایش گذاشت. فرخ نژاد در نقش مرتضی مردی که به همسرش خیانت می کند آنقدر عالی بود که نویسندگان و منتقدان سینمایی او را بهترین بازیگر جشنواره بیست و چهارم می دانستند اما سیمرغ بلورین به پرویز پرستویی برای **به نام پدر** رسید. کافی است به پلان سکانس مشاخره مرتضی و مزده در حضور روحی نگاه کنیم که اوج هنرنمایی اوست.

## پیمان معادی



او را به عنوان فیلمنامه نویس فیلمهای **آواز قو، عطش، شام عروسی، کافه ستاره** و ... می شناختیم. اما حضورش به عنوان بازیگر در گروه بازیگران **درباره الی** ... تعجب همگان را برانگیخت. او آنقدر خوب بود که همه بازی خوبش را به هدایت فرهادی منتسب می کردند. اما فصل غرق شدن آرش در بست متعلق به معادی است. بازیگر شدن معادی در **جدایی نادر از سیمین** رنگ جدی به خود گرفت. معادی در جدیدترین فیلم اصغر فرهادی **بشدت متفاوت** با شخصیت پیمان **درباره الی** ... ظاهر شد و نشان داد که حتی می تواند فارغ از نویسندگی، بازیگر درجه یکی هم باشد. سال گذشته نقش آفرینی عالی و تحسین برانگیز او در فیلم **متری شیش و نیم** با استقبال مخاطبان و منتقدان مواجه شد و این روزها معادی با این فیلم بر پرده سینماهای ایران می درخشد. معادی تا به حال دو فیلم سینمایی نیز کارگردانی کرده است: **«برف روی کاج ها»** و **«بمب، یک عاشقانه»**.

## لیلا حاتمی



شاید تنها بازیگری که بیرون از فیلم های فرهادی، هنرش را به رخ همگان کشیده لیلا حاتمی باشد. او در **جدایی نادر از سیمین** آنقدر خوب است که در **لیلا، ارتفاع پست، بی پولی، چیزهایی هست که نمی دانی، سعادت آباد** و ... خوب بود. لیلا حاتمی بازیگر بزرگی است. او نقش سیمین را همانطور که باید، بازی کرد. زنی که می خواهد از ایران برود اما پس از اتفاقی که برای خانواده اش می افتد میان ماندن و رفتن می ماند. نگاه کنید به بازی او در فصل رفتنش از خانه، فصلی که آمده بود تا بماند، اما اینبار تصمیم می گیرد که برود. لیلا حاتمی یک دو جین بازی ماندگار در کارنامه سینمایی اش ثبت کرده و بی شک یکی از بهترین بازیگران سه دهه اخیر سینمای ایران است.

## مریلا زارعی



بازیگری که قبل از حضور بیادماندنی در **درباره الی** کمابیش درخشیده بود: **سربازهای جمعه** (۱۳۸۲)، **زن زیادی** (تهمینه میلانی)، **دست های خالی** (۱۳۸۵) و **دعوت** (ابراهیم حاتمی کیا). زارعی در **درباره الی** ... بهترین بازی کارنامه سینمایی اش را ارائه کرد. نقش زنی عصبی به نام شهره که دلواپس غرق شدن پسرش در دریاست. نگاه کنید به فصلی که آرش را از غرق شدن نجات داده اند و شهره از ماشین پیاده می شود و هراسان اضطراب دیگران را نگاه می کند که نازی (رعنا آزادی ور) به او می گوید: ترس، الیه و شهره می گوید: وای، نه همین یک پلان برای اثبات بازی درخشان زارعی در **درباره الی** ... کافی است. پس از درخشش در **درباره الی** ... زارعی برای نقش آفرینی تحسین برانگیزش در **شیار ۱۴۳** سیمرغ بلورین و چندین جایزه دیگر را نیز دریافت کرد.

## ساره بیات



هنوز زود است بازی درخشان او در نقش راضیه در فیلم **جدایی نادر از سیمین** را تمام و کمال به هنر ساره بیات مرتبط بدانیم. او پس از دو بازی متوسط در دو سریال (یک مشت پر عقاب، بانو) و حضور در چند تله فیلم و یک فیلم سینمایی (مقلد شیطان) به گروه بازیگران جدایی نادر از سیمین پیوست. فصل درگیری اش با نادر در خانه نادر و فصلی که در آشپزخانه به حجت می گوید که نمی تواند قسم بخورد اوج این هنرنمایی اوست که دیپلم افتخار جشنواره بیست و نهم فیلم فجر را برای او به ارمغان آورد. بیات پس از بازی در فیلم فرهادی با اینکه سعی کرده در اوج بماند، اما تا به حال چندان موفق نبوده است.

## و ... دیگر ستاره ها



حضور تحسین برانگیز **آهو خردمند** در «شهر زیبا» پس از حدود دو دهه دوری از بازیگری در سینمای ایران، حضور **پانته آ بهرام** در «چهارشنبه سوری» که زمینه ساز هنرنمایی اش با فیلم های «چه های ابدی» (۱۳۸۵)، «پستی سه بار در نمی زند» (۱۳۸۷)، «بدرود بغداد» و «هیچ» (۱۳۸۸) شد، **بابک کریمی** که بازیگری در سینمای ایران را با نقش آفرینی تحسین برانگیزش در «جدایی نادر از سیمین» آغاز کرد و در دو فیلم دیگر فرهادی هم حضور داشت: «گذشته» و «فروشنده». هنرنمایی **علی مصفا** در «گذشته» که تسلطش بر زبان فرانسه بر موفقیتش افزوده بود، بازی درخشان دو بازیگر جوان در فیلم های «رقص در غبار» (یوسف خداپرست) و «شهر زیبا» (بابک انصاری) که دومی هیچگاه نتوانست حتی به اندازه نیمی از درخشش در «شهر زیبا» در فیلم ها و سریالهای پس از آن بدرخشد، بازی فراتر از تصور **مانی حقیقی** در «درباره الی» که به حضورش در فیلم های «آسمان محبوب» و «ورود آقایان ممنوع» و فیلم خودش «پذیرایی ساده» انجامید و همچنین نقش آفرینی تحسین برانگیز **فرید سجادی حسینی** در نقش پیرمرد در فیلم «فروشنده» که پس از سالها فعالیت در پشت صحنه سینما به عنوان دستیار کارگردان و ... به شهرت رسید. از بازیگران خارجی هم می توان به نقش آفرینی منجر به دریافت جایزه جشنواره کن **برنیس بزو** در «گذشته» یاد کرد. **خاویر باردیم** هم در «همه می دانند»، در حد و اندازه های اسمش ظاهر شد و **پنه لویه کرووز** هم در همین فیلم نشان داد که همچنان در اوج است.



## ورود به عصر خاموشی؛

# «بحران کاغذ»، آغاز یک پایان!

انگار به غول مرحله‌ی آخر رسیده‌ایم؛ کاغذ که انگار در خواب مسئولان یکی یکی جان نشریات را می‌گیرد و آنان را از دور خارج می‌کند. انگار به عصری قدم می‌گذاریم که سرعت در انتشار اخبار بسیار کوتاه و یک خطی اولویت مسئولان شده است. بدون هیچ تحلیل و تفسیری که شاید نکات مثبت یا منفی پنهان در خبر را برای مردم آشکار سازد و ضعف مدیران یا مسئولان را به مردم گوشزد کند.



مستقیم یا غیر مستقیم در آن فعالیت می‌کنند و افزوده شدن این افراد به خیل بیکاران معضلی اساسی در آینده نخواهد بود؟! مطالبی که در خصوص تعطیلی روزنامه و عدم اولویت واردات کاغذ بیان می‌شود بسیار ناشیانه و بدون هیچ گونه دوراندیشی است. زمانی که هیچ برنامه‌ی بلندمدتی برای اشتغال وجود نداشته باشد تعطیلی رسانه‌ها موضوع مهمی برای مسئولان تلقی نمی‌شود. حتی در کمال ناراحتی باید بگوییم که انگار برخی از تعطیلی رسانه و قطع شدن رشته‌ی مطالبه‌گری جامعه از طریق رسانه‌ها نیز خشنود می‌شوند!

با این تفاسیر انگار به غول مرحله‌ی آخر رسیده‌ایم؛ کاغذ که انگار در خواب مسئولان یکی یکی جان نشریات را می‌گیرد و آنان را از دور خارج می‌کند. انگار به عصری قدم می‌گذاریم که سرعت در انتشار اخبار بسیار کوتاه و یک خطی اولویت مسئولان شده است. بدون هیچ تحلیل و تفسیری که شاید نکات مثبت یا منفی پنهان در خبر را برای مردم آشکار سازد و ضعف مدیران یا مسئولان را به مردم گوشزد کند.

با بی‌اعتنایی و کم‌لطفی مسئولان امر گویا به دورانی وارد می‌شویم که شاید بتوان از آن به‌عنوان عصر خاموشی یاد کرد و چه در مقایسه با گسترش بی‌حد و حصر شبکه‌های مجازی طنز تلخی را یادآور می‌شود!

چاپی یکی پس از دیگری، دورنمایی تهدیدآمیز و ترسناک پیش چشممان ترسیم کرد؛ آینده‌ای که در آن زکن چهارم دموکراسی دیگر به فراموشی سپرده شده است و تاریخ مکتوب که سندیت یک جامعه بر آن استوار است به یک شوخی خنده‌دار می‌ماند.

کارگروه وزارت فرهنگ و ارشاد، دلالت را مقصر التهاب بازار کاغذ می‌داند و تنها نسخه‌ی آن بعد از حدود هشت ماه از آغاز به کار این است که مطبوعات تعداد صفحات و نوبت چاپ را کاهش دهند یا اگر توان چاپ ندارند تا اطلاع ثانوی مشمول ماده ۱۶؛ ابطال مجوز نشوند!

مدیرکل مطبوعات داخلی؛ سید حمیدرضا دربندی در همین خصوص اسفندماه سال گذشته گفته بود که بانک مرکزی پیش از این کاغذ سهمیه‌ای بین مطبوعات توزیع می‌کرد اما یک و نیم ماه پیش ارز را به شرکت‌های تولید و توزیع‌کننده اختصاص داد. حرفشان هم این بود که با نبود دارو مردم مشکل پیدا می‌کنند اما اگر روزنامه تعطیل شود اتفاقی نمی‌افتد!

در پاسخ به این مطلب باید گفت که هر روزنامه‌ی محلی حداقل ۱۰ نفر کارمند دارد. به روزنامه‌های سراسری که دقیق شوید این میزان به چندین برابر می‌رسد. آیا بیکار شدن عده‌ی کثیری از شاغلان در حوزه‌ی مطبوعات که به طور



توان خرید و انتشار روزانه را نداشتند. تعدیل نیروی گسترده، کاهش تعداد صفحات چاپی و کاهش دوره‌ی انتشار از اثرات بحران کاغذ بود که چه نشریات قدرتمند سراسری و چه نشریات کم‌جان‌تر محلی را در گرداب خود افکند.

اما در این میان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که جای وزارت صمت را در پیگیری و رفع مشکل تامین کاغذ در سال ۹۷ گرفت و از شهریور ۹۷ در قالب کارگروهی به فعالیت پرداخت، نتوانست راهی از پیش برد و در روزهای پایانی اردیبهشت ماه ۹۸، اخبار تعطیلی نشریات

مطبوعات وارد شد؛ بحران کاغذ دو سال پیش که کاغذ ناگهان از فهرست کالاهای دارای اولویت ارزی خارج شد بیم آن می‌رفت که کم‌کم با گرانی آن در بازار به سمت دورانی بحرانی پیش برویم. همه چیز از تحریم‌ها گرفته تا افزایش شدید نرخ ارز، قیمت جهانی خمیر کاغذ و عدم تامین مواد اولیه‌ی تولید دست به دست هم داد تا مطبوعات ایران به دورانی رکود بی‌سابقه‌ی قدم بگذارند. کاغذ در بازار بسیار کمیاب شد و اگر هم کاغذی وجود داشت آن قدر گران بود که بسیاری از نشریات خصوصی به‌ویژه روزنامه‌های محلی

این ترتیب بازنویسی کرد؛ «شاید قرن بیست و یکم دوران پایان فعالیت نشریات کاغذی باشد!» گسترش شبکه‌های مجازی و دسترسی سریع‌تر به اخبار به صورت آنی، خیل مردم را به سمت رسانه‌های مجازی و گاه رسانه‌های غیر رسمی سوق داد و بخش عمده‌ای از مخاطبان نشریات مکتوب را از میان برد. در چنین شرایطی که روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها و ... برای ماندن در بازار رقابت رسانه‌ای سعی در تولید محتوای بیشتر، تخصصی‌تر و تحلیلی‌تر کردند، ناگهان ضربه‌های اساسی بر پیکره‌ی



نسترن کیوان پور  
 Nastaran.keyvanpour@gmail.com

«شاید قرن بیست و یکم دوران پایان روزنامه‌نگاری باشد.» دیوید اوبرتی این مطلب را در «نیو ریپابلیک» نوشته است. جمله‌ای تلخ و غم‌انگیز که با شرایط بحرانی کنونی کاغذ در ایران باید آن را به

## قلنگر روز

# جامعه عجیب و غریب بی سر و تهی داریم که بیا و بین

بی فرهنگ گریبانش رو گرفته و نه تنها از این جامعه که اندک هم نیستند عذرخواهی نشده بلکه با تداوم کارهای این دست افراد مدام در حال تحمل دهن کجی ها و توهین‌ها هستند. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل

حالا اما مساله اون چند نفری نیستند که شعر هاشون به سرعت رفته بود و از شون با یک نامه از سوی موسسه انتشاراتی و مبالغ حق التحریر!! آثارشون مثلا عذرخواهی شده باشه. نه! اینجا مساله فرهنگ و ادبیات یک ملت که بلایی مثل خوانندگان بی دانش و حتی شاید

تلویزیون هم به هر طریقی که بود عرض اندام کرده بود، حالا شعری رو در حنجره انداخته که شاعر بلندقامتی داره و اصلا قواره این دو نفر به هم نمی‌خوره. این که چطور این دو نفر در کنار هم قرار گرفتن اونقدر عجیبه که زندگی کردن سرخپوست‌ها در آلاسکا.

زدند و کمپینها راه انداختند که نه به سرقت ادبی و فلان و فلان. طرف هم که دید بند رو آب داده یک بیانیته داد بیرون و پولهایی هم جابه جا شد و هوتوتو. القصه همون طرف که عشق خوانندگی داشت و به هر دری میزد که بهش بگن هنرمند و از تریبون برنامه های پر مخاطب

ده در اومد. یه نفر چند وقت پیش جدای از گاف های هنری که در زمینه اجرا و پلی بک و امثالهم داشت، دست به یک شاهکار زد و با یک تکنیک قدیمی به نام سرقت ادبی زبازد خاص و عام شد. بعد جماعت شاعر و موسیقی دان و هنرمند فریادها

گفتند طرف رو توه راه نمی‌داندند سراغ کدخدا رو می‌گرفت. ظاهرا کدخدا هم به سلامتی تحویلش گرفت و اهالی ده رو که به دلایلی طرف رو راه نمی‌داندن توی ده به هیچ حساب کرد. بعد از مدتی هم البته فرد مورد نظر شد همکار کدخدا و حساسی از خجالت اهالی

## عجیب و غریب

### استاندار عزل شده ناگهان مشاور شهردار تهران



خارج و سیل و کذا و کذا رو قطعاً به خاطر دارید. جا داره تهریکات واسعه مارو به دلیل دریافت پست جدیدشون با توجه به حسن سابق و پرداختن. اخیراً هم جناب استاندار گلستان و سفر

توجه به حسن سابق و تعهدشون پست مشاوره گرفتند و در خدمت جامعه به ادامه انجام وظایفشون پرداختن. اخیراً هم جناب استاندار گلستان و سفر

وظیفه به این شکل مشغول به کار میشن و با کسب تجارب بسیار، برای پستهای مدیریتی آماده و مهیا میشن. موارد خیلی زیادی در زمینه محاسن پست مشاوره وجود داره. داستان صدا و سمی کیش رو که یادونه. ایشان بعد از گافی که دادن و جریاناتی که به بار اومد با

آقا چقدر این پست مشاور ابداع خوبی بود. یعنی دوای درده. هر جا گیر و گرفت بود یاریگر مسئولین محترمه. نه اینکه مشاوران محترم در بزنگاه ها به داد مدیران برسند، البته این هم هست. اما بیشتر این پست مشاوره است که به داد مدیران محترم میرسه.



## نیش دنیای هوادار

### در پی واکنش بامزه محمود در مراسم ختم

البته که خنده بر هر درد بی درمان دواست، و درسته که بخند تا دنیا به روت بخنده و اینم جای خود که خنده هفتاد نوع بلا رو دور می‌کنه، نه اون که صدقه بود! بله عرض می‌کردم، صدقه فقر را می‌بره و عمرو زیاد میکند، صدقه‌ی دونه دونه! نه اینم که اسفند بود، اسفند دونه دونه اسفند سی و سه دونه بتر که چشم حسود و بخیل و بی‌گونه، آاا شایاش شایاش، جون من یواش، چی؟ ختم! آقا معذرت! مادیدیم این آقا نیشش بازه داشتیم نصیحتش می‌کردیم نفهمیدیم چی شد که همچین شد. محمود جون بابا چرا وقتی اومدیم ختم تو می‌خند!!؟